

مسئولیت مدنی بین المللی دولت ها در پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا

مهرا ب داراب پور*

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
(تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۴)

چکیده

پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا، برای تکمیل کنوانسیون تنوع زیستی در ژنوا به ۲۰۰۰ تصویب و سپس در کشور های عضو، از جمله ایران، به مرحله اجرا درآمده است. به طور طبیعی نه در کنوانسیون و نه در پروتکل آن، امکان توافق بر همه مسائل مبتلی به نبود. یکی از موضوعات بسیار بحث برانگیز که بررسی آن به آینده موقوف شد، مسأله مسئولیت و طرق جبران خسارت بود که در ماده ۲۷ پروتکل مذکور جلوه خاصی پیدا کرده است. دیدگاههای متفاوتی که در بین حقوقدانان کشورمان از این ماده پیدا شده، موجب بروز اختلاف نظرهای فاحشی می گردد که یافتن شیوه خروج از آن ضروری است.

مسئولیت، همیشه مناقشه برانگیز است و مسأله سازتر از آن، روش های جبران خسارات زیان دیدگان است. تضاد اولویت تحقیقات زیستی پزشکی، دسترسی به سایر علوم طبیعی برای نیل به پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی، حمایت از تحقیقات وسیع دانشمندان در محیط زیست و تمایل به تغییر و تحول های علمی از یک طرف و تعیین مسئولیت های دولت و مؤسسات وابسته یا عاملان ورود ضرر برای رعایت استانداردها، حفظ محیط زیست انسانی و جبران کاستی های ناشی از اقدامات تولیدی «سازواره های دستورزی شده ژنتیکی»، صادرات و واردات آن و بالاخص جبران خسارات وارده به زیان دیدگان از طرف دیگر، باعث شده تا مسأله «مسئولیت و جبران خسارت» در این خصوص، در سطح بین المللی لاینحل بماند. این مسأله، به علت تنوع زیستی و اقدامات متنوع زیان آور و در هم پیچیدگی مسئولیت ها، به آسانی قابل حل نیست. در این نوشتار سعی شده تا با توجه به سایر مسئولیت ها و شیوه های جبران خسارات در سطح بین المللی، به ناهماهنگی های فکری حقوقدانان داخلی سامان داده شود و راه تحقیقات در سطح بین المللی برای مسئولیت و شیوه های جبران خسارات وارده هموارتر گردد.

کلیدواژه ها: مسئولیت، تنوع زیستی، ایمنی زیستی، پروتکل کارتاهینا، خسارات، مقابله با خسارات، رابطه سببیت، مهندسی ژنتیک.

* Email: darabpour@gmail.com

مقدمه

ایران کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا را پذیرفته است. تفسیر این کنوانسیون و پروتکل آن، مشکلات خاص خود را دارد. تلاش برای تهیه پروتکل الحاقی به این پروتکل از مدت‌ها پیش شروع شده، که در شرف مذاکره و پذیرش است. در خصوص مسؤلیت و جبران خسارات در پروتکل الحاقی کارتاهینا بر خلاف دیدگاه‌های هماهنگی که بین حقوقدانان بین‌المللی وجود دارد، اختلاف نظرهای فاحشی بین مفسران ایرانی به وجود آمده است. هر تفسیر دارای آثار حقوقی خاص در تعیین قلمرو اجرایی، میزان و نوع تعهدات برای اشخاص است. نوع تفسیر به لحاظ صلاحیت دادگاه، اجرای حکم و توقیف اموال نیز تعیین‌کننده است.

در جلسات حقوقی ایمنی زیستی که با حضور نمایندگان حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت جهاد و کشاورزی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کارشناس مسئول دبیرخانه ایمنی زیستی تشکیل می‌شود، نیز تفاسیر متفاوتی از این ماده بعمل آمده است.

در ترجمه مبهم فارسی ماده ۲۷ پروتکل کارتاهینا، در خصوص مسؤلیت و جبران خسارت، آمده است:

فراهمایی طرفین موافقتنامه، به عنوان نشست طرفین موافقتنامه این پروتکل، در اولین اجلاس خود فرآیندی را با توجه به جزئیات و پیچیدگی مناسب حقوق و روشهای بین‌المللی در زمینه مسؤلیت و جبران خسارت، در نتیجه نقل و انتقالات فرامرزی سازواره‌های دست‌ورزی ژنتیکی یافته زنده^۱ خواهد پذیرفت، و فرآیند‌های در حال توسعه را، در حقوق بین‌المللی در خصوص این مطالب مورد تحلیل و بررسی قرار داده و این فرآیند را طی چهار سال تکمیل خواهند نمود.^۲

1 - Genetically Modified Organisms (GMOs)

2 - The Conference of the Parties serving as the meeting of the Parties to this Protocol shall, at its first meeting, adopt a process with respect to the appropriate elaboration of international rules and procedures in the field of liability and redress for damage resulting from transboundary movements of living modified organisms, analyzing and taking due account of the ongoing processes in international law on these matters, and shall endeavor to complete this process within four years.

بر خلاف متن انگلیسی که سلیس و روان است، ترجمه رسمی فارسی این متن خالی از اشکال نیست. به هر حال، بررسی و تجزیه و تحلیل این ماده، با توجه به مبانی بین المللی موجود، بسیاری از مشکلات، به ویژه نحوه برخورد حقوقدانان ایران، در خصوص پروتکل الحاقی به پروتکل ایمنی زیستی کارتاهاینا، را حل و فصل می کند.

بخش اول: مبانی مسئولیت زیستی و مخاطرات آن

مبنای مسئولیت های زیستی، تا آنجایی که مربوط به اقدامات تخلف آمیز دولت هاست، تابع حقوق بین الملل است. دولت ها برای اقدامات ممنوع و خلاف عرف و معاهدات بین المللی مسؤول هستند. از آنجا که هدف این نوشتار، بیشتر پژوهش در مورد شیوه جبران خسارات ناشی از اقدامات قانونی و دارای مجوز می باشد، در خصوص مسئولیت، و به عبارتی تعهد دولت (Responsibility)، به اختصار بحث خواهد شد و بیشتر به مسئولیت (Liability) برای جبران خسارات ناشی از اقدامات مجاز پرداخته می شود. بنابراین، چون در این خصوص تحقیقات اندکی به زبان فارسی وجود دارد، لازم است بدو در مورد جایگاه مسئولیت، هدف، مقابله با خطرات و تلاشهایی که در این راستا صورت گرفته، بررسی های لازم صورت گیرد، تا امکان بررسی قلمرو و حدود مسئولیت و مشکلات تفسیری آن، در بخش دوم، فراهم آید.

۱-۱- جایگاه مسئولیت مدنی بین المللی در ایمنی زیستی:

در دهه های اخیر حقوق بشر متحول شده و حق های جدیدی مورد شناسایی قرار گرفته اند (افتخار جهرمی، ۱۳۸۸: ۹). قبلاً حقوق بشر تقریباً منحصر به حقوق مدنی و سیاسی بوده است. ویژگی اصلی نوشتار اول یا نسل اول حقوق بشر یعنی «حقوق آزادی ها»، همانا جنبه سلبی آن یعنی عدم مداخله دولت بوده است. بعد از انقلاب های مادی به ویژه انقلاب روسیه، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یعنی «حقوق برابری» به تدریج مورد شناسایی بین المللی با رنگ و بوی اقتصادی قرار گرفت. ویژگی نسل دوم حقوق بشر، همانا جنبه ایجابی آن، یعنی تلاش دولت برای ایجاد امکانات و زمینه های لازم جهت برخورداری شهروندان از حقوق و آزادی های خویش است. علاوه بر دو نسل فوق، در سه دهه اخیر این پرسش به تدریج با قوت بیشتری در جوامع مختلف با فرهنگ ها و آداب و رسوم متفاوت مطرح گردیده که آیا نباید در جهت داشتن حقوق بشری مبتنی بر برادری و همبستگی ضروری و آشکار انسانی حرکت کرد (ریموند فکس، ۱۳۸۹: ۷۳). به این علت بود که تلاش شد تا از فرصت ها بهره برداری عادلانه شده و تهدیدات

برطرف گردد و نسل سوم حقوق بشر یعنی حقوق همبستگی^۱ جایگاه واقعی خود را پیدا کند.^۲ نویسندگان حقوقی اذعان دارند که ویژگی حقوق همبستگی (حق بر محیط زیست سالم، حق بر توسعه، حق بر صلح و حق بر میراث مشترک بشریت) این است که تامین این حقوق علاوه بر آنکه مستلزم عدم مداخله دولت (در آزادی های مردم) و نیز نیازمند مداخله ایجابی دولت (برای تامین امکانات) می باشد،^۳ (Mekouar, 1987: 91-95) تجمع همه امکانات و تلاش های همگون و هدفمند همه دست اندرکاران در این عرصه (دولت ها، سازمان های بین المللی، اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و حقوق عمومی و افراد) را نیز می طلبد. در راستای اهمیت تنوع زیستی و حفظ و استفاده پایدار از آن و با اهدافی که در مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی آمده، پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران نیز در مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۷ به تصویب رسیده و در ۱۳۸۸/۵/۷ اجرایی شده که آیین نامه اجرایی آن هم اخیراً به تصویب رسیده است. (عبدالهی، ۳۸۶: ۵۹؛ Walters, Reece, 2007: 219) پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا تنها در ماده ۲۷ راجع به بررسی خسارات سخن به میان آورده است. قانون ایمنی زیستی مذکور نیز در ماده ۶ مطالب مختصر و کوتاهی راجع به طریق جبران خسارات آورده و در آئین نامه اجرایی فقط دایره وسعت خسارات وارده را تعریف کرده است. در این که در هر لحظه امکان ورود ضرر و زیان ناشی از عدم رعایت مقررات ایمنی زیستی، حتی گاهی با رعایت این مقررات، وجود دارد، تردید نشده است. گاهی برخی موارد از نظر عرفی به عنوان خسارت محسوب نمی گردد و گاهی نیز علی رغم وجود خسارت، طریقه جبرانی برای آن در نظر گرفته نمی شود. با توجه به این که در هر مکان و مرتبه ای امکان ورود ضرر به دیگران وجود دارد، و این احتمال در خصوص فناوری زیستی جدید بیشتر می باشد، لازم است افزون بر شیوه های مرسوم در پیشگیری و جلوگیری از ورود ضرر و همچنین برای جبران خسارت وارده، در پروتکل الحاقی به پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا، تمهیداتی اندیشیده شود.

۱- برای مشاهده متن فرانسوی پیش نویس طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی ر.ک.

“Etudes et essais , sur le droit international humanitaire et les principes de Croix Rouge”, en L’ honneur de jean PITCET.CICR, Martinus Nijhoff, Geneve. La Haye, 1984, pp.846-850.

۲- برای مشاهده ترجمه کامل متن اعلامیه استکهلم ر.ک. اردشیر امیر ارجمند، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۵، ۱۳۷۴، صص ۴۲۵-۴۲۱.

۳- در مورد نسل سوم حقوق بشر و رابطه حق بر محیط زیست با سایر حقوق بشر ر.ک.

M.A.Mekouar, “Le droit a L’ environnement dans ses rapports avec les autres droits de L’ homme” UNESCO, Paris 1987, pp. 91-105.

۱-۲- تلاش برای برپایی نظام مسئولیت مدنی و جبران خسارات:

هنوز تلاش‌های بسیاری لازم است تا نظام مسئولیت مدنی بین‌المللی و جبران خسارات جایگاه واقعی خود را پیدا کند. به محض اینکه نظام حقوقی به وجود می‌آید و قصد استحکام پایه‌های خود را دارد، تحولی در علم و تکنولوژی به وجود می‌آید که کارایی آن نظام را زیر سؤال می‌برد. در این نوشتار، نه تنها بحث از مسئولیت کیفری نمی‌باشد، (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۳) و هنجارهای اخلاقی که از ضمیر ناخودآگاه انسان بر می‌خیزد نیز محل بحث نویسنده نیست (متوالی زاده، عباسی، ساشادینا، ۱۳۸۹). بلکه موضوع مورد نظر صرفاً هنجارهای حقوقی است که از یک مصوبه مجلس، یا کنوانسیون یا پروتکل‌های مرتبط با آن ایجاد می‌شود. (أٹنوف، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱)

گاهی خسارات، ناشی از نقض قراردادهای خصوصی و یا روابط بین اشخاصی است که حسب مورد جایگاه خاص آن در حقوق تعهدات یا مسئولیت مدنی است. هدف قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۸/۲/۲۷، سیاستگذاری، تعیین و تصویب راهبردها در عرصه ایمنی زیستی و امور مرتبط با آن از قبیل هماهنگی و تصویب آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها می‌باشد؛ هر چند در ماده ۵ این قانون، از مسئولیت سازمان حفاظت محیط زیست برای حفاظت از ذخایر ژنتیکی، تنوع زیستی و اعطای مجوز و سلب آن بحث گردیده، لیکن در باب مسئولیت و جبران خسارات قواعد عمده‌ای مطرح نشده است. اما فقط در ماده ۶ آن از باب مسئولیت مدنی و جبران خسارات مقرر گردیده است:

«در صورتی که هر یک از دستگاههای اجرائی ذی صلاح در خصوص اقدامات اشخاص حقیقی و یا حقوقی فعال در زمینه فناوری زیستی جدید تخطی از مفاد این قانون مشاهده نمایند، مکلفند ضمن تعلیق موقت مجوز شخص خاطی، موضوع را با ذکر دلایل کافی و مستند به کمیسیون داوری تبصره (۱) ماده (۵) این قانون اعلام نمایند. کمیسیون مزبور موظف است در صورت موجه تشخیص دادن دلایل اعلامی، ضمن تعلیق مجوز شخص خاطی، مراتب را برای رسیدگی قضایی به مرجع ذی صلاح قضایی ارجاع نماید. در صورت تأیید تخلفات توسط مرجع قضایی، اگر تخلف موجبات تضییع حقوق سایر اشخاص را فراهم نموده و یا خسارتی را به سایر اشخاص و یا زیست بوم وارد نموده باشد، شخص متخلف به جبران تا سه برابر خسارات وارده محکوم شده و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر جبران خسارت به روش فوق کلیه مجوزهای صادره قبلی باطل و از فعالیتهای پژوهشی و یا اجرایی وی، ممانعت به عمل خواهد آمد».

حال باید دید در پرتو کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ایمنی زیستی کارتاهاینا چه مسئولیتی وجود دارد، یا چه نظامی شایسته است با پروتکل الحاقی به پروتکل مزبور پا به عرصه وجود گذارد. هر چند بحث از نظام مسئولیت و طرق جبران خسارات به آینده موکول گردیده، لیکن از دیدگاه

حقوقدانان ایرانی^۱، تفسیر متفاوتی در خصوص ماده ۲۷ پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا وجود دارد. دو تفسیر متفاوت ماده ۲۷ این پروتکل به شرح ذیل مطرح شده است:

۱- به موجب تفسیر اول: اشخاص حقیقی و حقوقی در صورت ایجاد خسارت، خود مسؤول می باشند نه دولت متبوع آنها. به عبارت دیگر، مسبب مسؤول است، خواه اشخاص خصوصی باشند یا دولت. البته این به معنای رفع سایر مسئولیت های بین المللی دولتها و رعایت اصول کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل آن همچنین تعقیب و اجرای حکم در داخل، در خصوص اشخاصی که موجبات ورود خسارت شده اند، نیست.

۲- بر اساس دیدگاه دوم: دولت ها بعنوان اعضاء تعهدات پروتکل کارتاهینا، از در جمله ماده ۲۷ پروتکل مسئولیت و جبران خسارت را پذیرفته اند، بدین جهت در صورت ایجاد خسارت توسط اتباع هر کشوری به کشور دیگر دولت آن کشور مسئول می باشد. ضمناً در پروتکل کارتاهینا غیر دولتها را مسئول جبران خسارت نمی داند!!

بحث اصلی در اینجا تعیین شخصی (اعم از حقیقی، حقوقی و دولت) برای جبران خسارات وارده به سایر اشخاص است. تعیین این شخص هم در نگرش حقوقی به پروتکل کارتاهینا تاثیر دارد و هم حقوقدانان را به وادی هایی هدایت می کند که همگون یا ناهمگون با روند بررسی مسئولیت مدنی اشخاص در سطح بین المللی می باشد. تلاش غالب حقوقدانان خارجی این است که تا حد امکان از مستثنی شدن دولت از مسئولیت مدنی جلوگیری کنند. دولت ها زیر بار مسئولیت مدنی نمی روند. آن ها مایل نیستند بر مسئولیت های خود بیفزایند، بلکه فقط مسبب را مسؤول می شناسند و حتی اگر خود باعث ایجاد ضرر و زیان شده باشند خود را پاسخگو نمی دانند. در آنجا، حقوقدانان با این مشکل مواجهند که دولت ها را هم مانند هر مؤسسه یا ارگان دولتی مسؤول بشناسند و برای آن دلیل تراشی می کنند. جالب است که براساس دیدگاه دوم، همه مسئولیت ها بر عهده ماشین شکسته دولت قرار داده می شود که گویا راه حل دیگری برای جبران خسارات وجود نداشته و ندارد. علیرغم آنچه گفته شد، پیش از هر تحلیلی، چنانچه هدف کنوانسیون و پروتکل های محیط زیست روشن شود، بهتر می تواند راجع به نظام حقوقی مسئولیت و جبران خسارات بحث و گفتگو کرد.

۱- در جلسات بررسی پروتکل پیشنهادی الحاقی به پروتکل کارتاهینا در سازمان محیط زیست.

۱-۳- هدف از ایمنی محیط زیست:

هدف اصلی از کنوانسیون های محیط زیست، حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن (Kameri Mbote, 2004, p.119) و حتی در مواردی بهبود وضعیت موجود آن است. صرفاً بحث از مسئولیت مخربان محیط زیست، از طریق مقربان حکومتی مطرح نیست، بلکه دفاع از محیط زیست در مقابل هر نهاد یا شخص حقیقی یا حقوقی است که لطمه به این «حقوق همبستگی» (افتحار جهرمی، ۱۳۸۸، ص، ۲۴-۹) به مثابه نسل سوم حقوق بشر می زند و مانع ایفای حقوق انسانی، مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می شود و یا آشتی میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست، به عبارت دیگر توسعه پایدار، را نادیده می گیرد. دفاع از محیطی واقعی که انسان ها در آن زندگی می کنند و کیفیت حیات و سلامت آن ها و نسل های آینده شان به آن وابستگی تام دارد، یکی از دغدغه های اصلی حقوقدانان این رشته است. نگرانی ها در مورد شبیه سازی انسان هم از این نمونه نگرانی هاست (عباسی، ۱۳۸۶، کاظمی افشار، ۱۳۸۶، سهرابی، ۱۳۸۶، اسماعیلی، ۱۳۸۸ و دباغ، ۱۳۸۹). هدف پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا، که توسط کشورهای عضو کنوانسیون تنوع زیستی (Convention on Biological Diversity (CBD)) در ژانویه ۲۰۰۰ مورد پذیرایی قرار گرفت، حصول اطمینان بود از اینکه دولت ها برای حمایت از جابجایی، نگهداری و استفاده از موجودات زنده ی اصلاح ژنتیکی شده از زیست فناوری نوین حمایت کنند، مبدا که اثرات سوئی بر حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی داشته باشد و یا خطرات احتمالی برای انسان ایجاد نماید. البته توجه خاص پروتکل، بر روی انتقال فرامرزی موجودات زنده اصلاح شده ژنتیکی است.

کشورهای پیشرفته تا حدود زیادی ظرفیت سازی لازم را انجام داده و^۱ رژیم مناسب داخلی ایمنی زیستی را برای خود ایجاد نموده اند، اما کشورهای جهان سوم و یا در حال توسعه چنین روندی را یا شروع نکرده و یا به طور شایسته طی ننموده اند.

هنگامی که هدف از ایمنی زیستی این گونه وسعت داشته باشد، به سختی می توان صرفاً بحث را به جبران خسارت مادی وارده به زیان دیده محدود کرد. اما چون در این نوشتار بحث در خصوص جبران خسارت زیاندیدگان است بررسی خسارت و مناطق خطرآفرین اجتناب ناپذیر می باشد. با ملاحظه این خطرات می توان به وسعت آن پی برد و راه چاره ای مناسب با اهداف بین المللی برای جبران آن پیدا کرد.

۱-۴- خطرات احتمالی ناشی از فناوری زیستی:

خطرات احتمالی ناشی از فناوری زیستی حد و مرز مشخصی ندارد. (خوانساری، ۱۳۷۹) مسائل حقوقی مرتبط با آن نیز از وسعتی بی انتها برخوردار است.^۲ مناطق و موارد خطرآفرین که باعث ورود ضرر و زیان می شود در خلال کنوانسیون تنوع زیستی، پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا و قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران و آیین نامه اجرای آن نیز آمده است که می توان موارد عمده آن را پس از بررسی مفاهیم فناوری زیستی جدید و ایمنی زیستی به طور مختصر مطالعه کرد.

۱- ماده ۲۲ پروتکل: ظرفیت سازی:

۱- کشورهای عضو پروتکل می بایستی در توسعه و یا تقویت منابع انسانی و قابلیت های سازمانی در زمینه ایمنی زیستی با یکدیگر اشتراک مساعی کنند از جمله در زمینه زیست فناوری در تمام گستره مورد نیاز ایمنی زیستی و به منظور اجرای موثر این پروتکل در کشورهای در حال توسعه، بخصوص برای اعضای که دارای شرایط اقتصادی انتقالی هستند. این مشارکت از طریق موسسات و سازمان های جهانی منطقه ای و ناحیه ای و ملی در زمان مقتضی و از طریق تسهیل مشارکت بخش خصوصی انجام می گردد.

۲- برای اجرای موارد عنوان شده در پاراگراف فوق درباره اشتراک مساعی، نیاز کشورهای عضو در حال توسعه بخصوص اعضای با حداقل توسعه یافتگی می بایست در نظر گرفته شود. همکاری در زمینه ایجاد ظرفیت باید با شرایط مختلف قابلیت ها و نیازمندی های هر عضو مطابقت داشته باشد؛ از جمله آموزش های فنی و علمی در مدیریت ایمنی و مناسب زیست فناوری و در چگونگی استفاده از ارزیابی و مدیریت مخاطرات احتمالی برای ایمنی زیستی و در زمینه افزایش ظرفیت های موسساتی و فنی ایمنی زیستی.

۲- ر.ک. مقالات ارائه شده در مجموعه مقالات کنگره بین المللی اخلاق زیستی ۱۳۸۴ چاپ پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری. این مقالات شامل مسائل فلسفی، اخلاقی، علوم زیستی، اطلاعات ژنتیکی، حملات جنگ افزارهای بیولوژیکی، مالکیت آفرینش های فکری، پیامدهای اکولوژیکی گیاهان زراعی، کلون سازی و سلامت انسان و غیره است.

به استناد تعریف مندرج در پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا و قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران، فناوری زیستی جدید عبارت است از اِعمال:

اول- روشهای آزمایشگاهی کار با اسیدهای نوکلئیک از جمله اسید دی اکسید ریبونوکلئیک نو ترکیب و انتقال مستقیم اسیدهای نوکلئیک به داخل سلولها یا اندامکها؛
دوم- تلفیق سلولهایی که در یک خانواده طبقه بندی نمی شوند از طریق غلبه بر موانع تکثیر فیزیولوژیک طبیعی یا سطوح نو ترکیبی که در روشهای سنتی انتخاب و تولید مثل، مورد استفاده قرار نمی گیرند.

مجموعه ای از تدابیر، سیاستها، مقررات و روشهایی برای تضمین بهره برداری از فواید فناوری زیستی جدید و پیشگیری از آثار سوء احتمالی کاربرد این فناوری بر تنوع زیستی، سلامت انسان، دام، گیاه و محیط زیست را ایمنی زیستی گویند. اگر تخطی از ایمنی زیستی صورت پذیرد، به طور طبیعی امکان ورود ضرر وجود دارد. این ضررها ممکن است در حیطه هایی رخ دهد که قبل از پیشرفت علوم زیستی به ذهن هیچ انسانی خطور نمی کرده است. برای مثال در همه موارد زیر، بروز چنین خطرات و مشکلاتی محتمل است:

الف- هر ماهیت زیستی که قابلیت تکثیر یا انتقال ماده ژنتیکی خود را داشته باشد از قبیل سازواره های سترون، ویروسها و شبه ویروسها، که به آن ها موجود زنده میگویند، می تواند خطرزا باشد.

ب- هر گونه موجود زنده ای که دارای ترکیب جدید مواد ژنتیکی بوده و از طریق استفاده از فناوری زیستی جدید به دست می آید، که به آن موجود زنده تغییر شکل یافته اطلاق می شود، بالقوه خطرناک است.

ج- اولین انتشار غیر محصور موجود زنده ی تغییر شکل یافته در محیط زیست طبیعی و کشاورزی، به منظور تکثیر و یا تولید تجاری را رهاسازی می گویند که به نوبه خود ممکن است خطرات و ریسک های مربوط به خود را داشته باشد. این موضوع در خصوص آزمایش میدانی هم صادق است. در روش آزمایش میدانی صرفاً صفات مختلف موجود زنده تغییر شکل یافته در شرایط محصور و بدون امکان رهاسازی مورد بررسی قرار می گیرد. گاهی نیز ممکن است انتشار غیر عمدی موجود زنده تغییر شکل یافته، بر اثر عوامل خارجی از جمله حوادث غیر مترقبه رخ دهد، که امکان خطر آفرین بودن آن نیز وجود دارد.

د- خطرات و ضرر و زیان های مربوطه، ممکن است در رابطه با سایر موجودات زنده مرتبط با تولیدات بخش کشاورزی (باقریه نجار، ۱۳۸۴، تکاور، ۱۳۸۴، موسوی ۱۳۸۴). شامل زراعت،

باغبانی، جنگل، مرتع، بیابان، شیلات، دام، طیور و زنبورداری و خوراک دام و طیور، آفات، بیماریها و عوامل زنده مرتبط با این موارد نیز رخ دهد که به همه این موارد اصطلاحاً محصولات کشاورزی می‌گویند.

۵- در مواد غذایی، آرایشی و بهداشتی یعنی موادی که برای خوردن و آشامیدن و آرایش و بهداشت انسان مصرف می‌شوند و همچنین مواد افزودنی و رنگهای مورد مصرف در آنها نیز این خطرات جلوه خاص خود را خواهند داشت.

و- ریسک‌های مربوطه نه تنها ممکن است در مورد مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست یعنی پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، مناطق حفاظت شده و پناهگاه حیات وحش رخ دهد، بلکه امکان دارد در هر شهر و روستا و کویر و بیابان و جنگلی نیز به وجود بیاید، از جمله ذخیره گاه زیست کره یعنی مناطق خاصی که دارای اهمیت زیست محیطی تاریخی و فرهنگی هستند و توسط سازمان یونسکو به ثبت رسیده اند.

ز- در صادرات و واردات نیز ممکن است خسارات خود را نشان دهند. انتقال عمدی فرامرزی موجود زنده تغییر شکل یافته از داخل کشور به خارج از مرزهای رسمی کشور بر طبق قوانین و مقررات موجود را که به آن صادرات اطلاق می‌شود، بی خطر نیست و وارد کننده یعنی هر شخص حقیقی یا حقوقی که بر طبق قوانین و مقررات کشور، موجود زنده تغییر شکل یافته را بصورت عمدی از داخل کشور به خارج از مرزهای رسمی کشور صادر می‌نماید، می‌تواند عامل زیان باشد.

انتقال فرامرزی عمدی موجود زنده تغییر شکل یافته از خارج از مرزهای رسمی کشور به داخل کشور، بر طبق قوانین و مقررات موجود را که به آن واردات اطلاق می‌شود کمتر از صادرات بی خطر نیست. واردکننده یعنی هر شخص حقیقی یا حقوقی که بر طبق قوانین و مقررات کشور، موجود زنده تغییر شکل یافته را بصورت عمدی از خارج از مرزهای رسمی کشور به داخل کشور وارد می‌نماید، می‌تواند بالقوه زیان زنده محسوب شود.

ح- خطر در دامن هر گونه جابجایی عمدی موجود زنده تغییر شکل یافته از کشور صادر کننده به سایر کشورها از طریق مرزهای رسمی کشور که به آن نقل و انتقال فرامرزی (ترانزیت) می‌گویند، نیز نهفته است. در جابجایی عمدی موجود زنده تغییر شکل یافته در داخل کشور که به آن نقل و انتقال درون مرزی می‌گویند نیز خطر و حوادث خفته است.

همه این خطرات و احتمالات خسارات بالقوه هستند و امکان دارد علیرغم انجام اقدامات فوق هیچ ضرر و زبانی وارد نشود و البته، صرف نظر از مسؤولیت های مرتبط با پیشگیری، تا زبانی وارد نشود بحث از جبران خاص خسارت نیست. با این وجود، نباید مسؤولیت برای جلوگیری و پیشگیری از خسارات احتمالی و تعهدات مرتبط با آن را که در کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل آن آمده است، نادیده گرفت.

۱-۵- وظیفه مقابله با مخاطرات احتمالی و خسارات وارده:

به کارگیری فن آوری های مختلف روی موجودات زنده (فناوری زیستی)، از قبیل تغییر و تحول در ژن ها و سنتز الیگونوکلوئوتیدها و غیره که اثرات شگرفی دارند، (Mousawi, Malboobi, Esmailzadeh, 2007, p. 1513) تحولات اقتصادی می آفرینند؛ جامعه را به التهاب می کشند؛ شور و شوق به وجود می آورند؛ گاهی هم ترس و لرز می آفرینند؛ خوبی و بدی را با هم مخلوط می کنند؛ امیدواری برای آینده ایجاد می کنند و گاهی نیز تولید وحشت می کنند. تلاش های فراوان برای تسخیر طبیعت به نفع خویش و اعمال تیزهوشی و پیشگیری گاهی به مانند تیشه بر ریشه خویشتن شده و فغان جامعه انسانی را به آسمان می برد. تبلیغات برای استفاده از فناوری بیولوژیک، به ویژه در کشورهای جهان سوم، توسعه نیافته یا در حال توسعه، و به کارگیری این روش ها، با دغدغه عقب ماندن از قافله پیشرفت علمی، افسار احتیاط را از دست انسان می رباید تا شاید مشکلات بهداشتی، درمانی، غذایی و سیاسی و اجتماعی خود را حل کند.

گاهی ویروس های واکسن ها، با سایر ویروس ها مجانست کرده و ویروس مقاوم نو ترکیبی ایجاد می کنند که می تواند با انتقال به گروه دیگر از انسان ها کشنده باشد. برای مثال، تلفیق ویروس آبله با ویروس ویسنا احتمالاً باعث ایجاد ویروس ایدز نوع دوم شده و در انتقال به سایر انسان ها به ایدز نوع اول که بسیار خطرناک و کشنده است تبدیل می گردد. از قضا سرکنگبین صفرا فزاید و واکسن اعطایی درمان، باعث رنج و خذلان شود.

مردم و حتی محققان در دانش طبیعی، به خطرات احتمالی واقف نیستند و عدم احاطه علمی دانشمندان در تاثیر و تأثیر تغییرات دراز مدت آتی که خود در موجودات زنده، آغاز کرده اند کمتر از عوام نیست. اگر بر این جهالت، پشت پازدن به احتیاطات و درهم کوبیدن مقررات و نظامات هم افزوده شود، ریسک و خطر دو چندان می شود. اشتباهات کوچک گاه زبان های جبران ناپذیر به ارمغان می آورد و بیش از یک زلزله سیاسی، بنیاد جامعه را از جا می کند. زیرا، در تغییر و تحولات

سیاسی، یک نسل صدمه می بیند، اما در تغییرات و تحولات ژنتیک گاهی نسل های متعدد در معرض خطر قرار می گیرند و خسارات اجتماعی و اقتصادی فراتر از حدس و گمان به وجود می آید. امکان دارد آثار امروز انتقال ژن در تخمک های موجود زنده، که با انتقال بخشی از یک سلول (DNA) حاوی ویژگی خاص که به صورت سنتتیک تهیه شده یا از موجودی دیگر استخراج می گردد، به سلول عنصر دارای نقص (مثل تغییر ژن سلول های ریه)، معلوم و معین باشد، ولی چون بسیاری از پروتئین ها نقش های فیزیولوژیک چند گانه ای در بدن موجود زنده دارند و وقتی که یک ژن پروتئین برای بدست آوردن یک ویژگی مورد نظر تغییر داده می شود و پروتئین جدید حاصل از این نوع تغییر ممکن است فاقد سایر اعمال فیزیولوژیک پروتئین طبیعی اولیه باشد، یا خواص جدیدی کسب کند که در هر دو صورت برای موجود زنده زیانبار است و با تأسف این تأثیرات در درازمدت، اگر نه در کوتاه مدت، غیرقابل پیش بینی است. اگر این علم برای زیباسازی و امور غیر درمانی هم استفاده شود، می تواند اثرات زیانبار انسانی و اجتماعی را نیز به همراه داشته باشد. هر چند قابلیت پیش بینی بسیاری از اعمال فیزیکی و بیوشیمیایی وجود دارد، ولی هیچگاه یک مهندس ژنتیک نمی تواند به طور کامل پیامدهای حیاتی و اساسی تغییر های خواسته یا ناخواسته بیولوژیکی محصولات جدید را پیش بینی بنماید. تغییر یک ژن در یک موجود زنده که از ترلیون ها سلول ساخته شده، ممکن است عملکرد سیستم این موجود را دگرگون کرده و موجودات بعدی را که از او به وجود می آیند، نیز متأثر سازد و ویژگیهای عجیب مثبت یا منفی ایجاد کند که درجه مخاطرات و ریسک ها را بالا می برد. دانشمندی که بی نهایت از تحقیقات و اثرات ترکیبی دستورهای بیولوژیک خود غره می شوند، نمی توانند در تحقیقات مورد نظر، ایمنی کاربردی روش های تحقیقاتی خویش را به طور کامل پیش بینی کنند و این مسأله هم امکان ورود ضرر و زیان را به مراتب بیشتر می کند.

ریسک ها و خطرات طبیعی فراوان هستند. اما در اینجا فقط بحث از ارزیابی زیان های احتمالی ناشی از تنوع زیستی برای مقابله با خسارات و مخاطرات احتمالی و احياناً جبران آن است.

الف- به منظور شناسایی و توصیف مخاطرات احتمالی ناشی از موجود زنده تغییر شکل یافته، بر محیط زیست و تنوع زیستی، سلامت انسان، دام، گیاه و ارزیابی میزان مواجهه با مخاطره و در نهایت در توصیف مخاطره احتمالی حاصل از آن، نه تنها باید مخاطرات احتمالی ارزیابی شود، بلکه مدیریت این مخاطرات نیز ضروری است؛ یعنی باید مجموعه ساز و کارها و تدابیر و راهکارهای مدیریتی مناسب برای کنترل مخاطرات احتمالی نیز در فرایند ارزیابی مخاطرات احتمالی مدیریت شود.

ب- در نشریات کار گروه تخصصی ایمنی زیستی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری از مخاطرات و ارزیابی آن سخن بسیار رفته است. بنا بر این، دیدگاه (بخش آموزش، ۱۳۸۵، ص ۲۲) مخاطره یا ریسک، ترکیبی از احتمال وقوع خطر و خسارت مرتبط با آن خطر است. یک عامل خطر ساز توانایی تولید خسارت، ضرر و یا دیگر نتایج ناخواسته را دارد. در این مورد خطر، احتمالی است که ممکن است اتفاق بیافتد یا نیافتد و خسارت، نتیجه حاصل از وقوع آن احتمال است. به همین صورت زمانی که گفته می شود، گیاه تراریخته خطر دارد، این بدان معنی نیست که خطر یا هر گونه خسارتی اتفاق افتاده یا اتفاق خواهد افتاد. تشخیص خطر یکی از عناصر مهم ارزیابی مخاطرات است.

بر اساس این مطالعه، برای مثال، خطرات زیست محیطی گیاهان تراریخته (Genetically Modified Plants) مورد توجه و بررسی قرار می گیرند، که در آن ها ابهاماتی وجود دارد که چه چیزی را می توان به عنوان مخاطرات زیست محیطی محسوب کرد و چه چیزی را نمی توان؟ آیا تأثیرات سوء بر سلامتی بشر که نه بطور مستقیم از طریق خوردن غذا، بلکه از طریق محیط زیست وارد می شوند، جزء این مخاطرات هستند یا خیر؟ آیا اثرات سوء بر کشاورزی رایج، جزء این مخاطرات محسوب می شوند یا خیر؟ آیا اثر غیر اختصاصی بر اکوسیستم و موجودات یک سرزمین، مخاطره ای قابل تشخیص است؟ آیا اثر بر روند اکولوژیکی، مخاطره ای زیست محیطی است؟ در بیشتر جوامع مساله مهم قبل از بحث خسارت و پرداخت خسارت، پیشگیری از ورود خسارت و سپس مقابله با خسارات احتمالی است (Sadeleer, 200, p. 61). برای همین است که گفته شده، هدف از بررسی خطرات زیست محیطی در روند مراحل تصمیم گیری، کاهش اثرات سوء بر محیط زیست می باشد. تجزیه و تحلیل خطرات غالباً به دو بخش ارزیابی و مدیریت خطرات تقسیم می شود.

پاسخ به خطرات شناخته شده بایستی متناسب با میزان احتمالی کاهش و یانابودی ارزشهای حفاظتی باشد. کلیه کار در ارائه تعریفی واضح از ارزشهای حفاظتی و قابلیت نظارت بر تغییرات آنها در طی زمان است. چالش اصلی در مسئله حفاظت توسعه مدلهای حفاظتی است به نحوی که تطابقی بیان استفاده های انسانی و حفاظت از فونکسیون و تنوع زیستی اکوسیستم ایجاد نماید. از ارزیابی مخاطرات برای فراهم نمودن اطلاعات در مراحل تصمیم گیری استفاده می شود و هدف از مدیریت مخاطرات، به کاربردن انتخاب ها و راههای مختلف در مواجهه با خطرات است. مسئله ای که دولت ها در تعهدات خود به آن پایبند هستند، بیشتر همین مدیریت خطر است تا پیدا کردن عامل زیان و الزام وی به جبران خساراتی که به مردم یا اشخاص خاصی وارد می شود. ارزیابی خطرات احتمالی مرحله ای است که در آن درجه ریسک یا خطر اندازه گیری می شود. این اندازه

گیری می تواند کمی یا کیفی؛ احتمالی یا قطعی باشد. در مدیریت مخاطرات، جامعه مشخص می کند که چگونه به موضوع خطر پرداخته شود. این کار از طریق شرکت مستقیم افراد جامعه یا از طریق نمایندگان آنها صورت می گیرد. تصمیمات اصلی که در مدیریت مخاطرات اتخاذ می شوند؛ تحمل، پرهیز و یا تخفیف خطر است. معیارهایی که استفاده از یک موجود تراریخت (Genetically Modified Organisms (GMOs) را محدود می نماید، موجب اجتناب از خطر می شود. وقتی یک موجود تراریخت رهاسازی می شود، معیارهایی که برای کاهش خطرات حاصله به کار می رود، خطر را تخفیف می دهد. معیارهایی که برای کاهش خطر یا افزایش قبول خطر به کار می رود، شیوه تحمل خطر را افزایش می دهد.

بنا بر آنچه گفته شد، در مسؤولیت مدنی دولت ها، همیشه بحث از ارکان مسؤولیت، ضرر و فعل زیانبار و رابطه سببیت یا وجود تعهد عرفی و قانونی و نقض تعهد و جبران خسارت مطرح نیست، بلکه مطالب دیگری مطرح است که در بررسی و ارزیابی مخاطرات و جلوگیری از به وجود آمدن ضرر و زیان مورد مذاقه قرار می گیرد.

ارزیابی مخاطرات معمولاً شامل چندین مرحله می باشد. این مراحل عبارتند از شناسایی و تشخیص مشکل، شناسایی و تشخیص خطر، شناسایی مشکل و تشخیص خسارت، ارزیابی اثرات، ارزیابی بروز و رهاسازی و مرحله ای که ترکیب همه ارزیابی های فوق است. شناسایی مشکل، وسعت ارزیابی را تعیین می نماید. شناسایی و تشخیص به معنای شناسایی اثرات سوء بالقوه بر محیط زیست و عوامل احتمالی این اثرات می باشد.^۱ شناسایی و تشخیص خسارت شامل شناسایی عواقب این تاثیرات و شناسایی فرد یا افرادی از جامعه بشری است که تحت تاثیر این عواقب قرار می گیرند. ارزیابی اثرات، بر مبنای درجه بندی یا کمی نمودن اثرات و عواقب سوء می باشد. ارزیابی بروز و رهاسازی، بررسی میزان تنش وارده بر محیط زیست در اثر حضور موجود تراریخت، ژن خارجی یا محصول تراریخته است. مرحله پایانی که ترکیب همه این مراحل می باشد در ارتباط با مرحله حساس ارزیابی مخاطرات است. در ارزیابی مخاطرات، بررسی خطر در قالب موضوعات ارزشمند برای انسان مانند فواید تنوع زیستی انجام می شود.

همه این موارد در مسؤولیت های مدنی بین المللی دولت ها می گنجد. ولی بحث از خساراتی که در ماده ۲۷ پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا می شود، مرتبط با جبران خسارات وارده، بر اساس اصول و مقررات بین المللی و پیدا کردن عامل زیان و جبران خسارت از طریق اوست، نه وظایف دولت ها که در جای جای کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا از آن ها سخن به میان

۱- ر.ک. دستورالعمل شورای عالی محیط زیست ایران.

آمده است. آنچه موجب ایجاد مسئولیت برای دولت ها میشود در این حیطة است نه پرداخت خسارات وارده به زیان دیدگان که بر عهده مسبب ورود خسارات وارده می باشد. برای مثال، دولت در ارزیابی مخاطرات احتمالی گیاهان تراریخت (کازمی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳)، در موارد چهارگانه زیر دخالت می کند (بخش آموزش، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

الف) خطر برای سلامتی بشر شامل حساسیت زایی، انتقال افقی ژن و مقاومت به آنتی بیوتیک ها، خوردن DNA ی خارجی، استفاده از پروموتور ویروس های گیاهی مانند موازئیک گل کلم، تغییر خواص تغذیه ای.

ب) خطر برای محیط زیست، شامل خطر برای موجودات غیر هدف، انتقال ژن از گیاه تراریخته به علف هرز و مقاوت به آنتی بیوتیک و وارد شدن پروتئین های اصلاح شده به خاک.

ج) بهم خوردن کشاورزی سنتی و روش های تولید غذا در کشورهای در حال توسعه، شامل انتقال ژن از یک گیاه به گیاه دیگر.

د) از دست دادن تنوع زیستی در محل ها و اطراف میادین آزمایشی و تحقیقاتی.

دولت در رابطه با همه موارد مبتنی به ایمنی زیستی، بر اساس کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا متعهد است، خواه این تعهد ناشی از یک امر و موضوع نهی شده و خلاف قانون باشد یا ناشی از اقداماتی باشد که اصولاً منع نگردیده و حق قانونی دولت برای اعمال آن وجود دارد، لیکن باعث ورود ضرر به دیگری می شود.

با بررسی انواع مسئولیت ها ملاحظه می شود که بررسی خسارت احتمالی وارده، یک بخش جزئی از مسئولیت ها می باشد که در ماده ۲۷ پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا آمده و قواعد و مقررات آن باید وفق یک پروتکل الحاقی تهیه و تنظیم گردد، تا دولت علاوه بر انجام آنچه تعهد به اعمال آن دارد، عاملان ورود ضرر را نیز ملزم به پرداخت خسارت و جبران آن نماید. بدیهی است که این اقدام در راستای حمایت از محیط زیست و به طور کلی حقوق همبستگی و نسل سوم حقوق بشر، می باشد.

بخش دوم: قلمرو مسؤولیت مدنی و مشکلات تفسیری آن

به طور طبیعی، در حقوق بین الملل هر نقض تعهد بین المللی مستلزم مسؤولیت ناقض تعهد و جبران صدمات ناشی از آن است. گاهی انتظار می رود که دولت ها برای اقدامات مجاز و غیرممنوع که باعث، ورود ضرر به دیگران شده مسؤول شناخته شوند، اما آنها، با فروکاستن مسؤولیت به سایرین، به ندرت چنین مسؤولیت هایی، مانند مسؤولیت های متنازع فیه موضوع ماده ۲۷ پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا، را می پذیرند. بنابراین، در شروع لازم است در خصوص قلمرو اعمال منتسب به دولت و تفسیری کارآمد و عملی از ماده ۲۷ پروتکل فوق بحث شود، سپس به بحث مناقشات بین دولت ها در خصوص مسؤولیت ها پرداخته و سرانجام به جستجوی شخص یا اشخاص باشیم که مسؤولیت برای اعمال غیر ممنوعه و مجاز برعهده آن ها گذارده می شود.

۲-۱- دامنه محدود یا نامحدود انتساب عمل زیان آور به دولت:

گاهی به جای بررسی ارکان مسؤولیت مدنی بین المللی، شروط جانبی مورد بحث نویسندگان قرار می گیرد. به همین علت است که آن ها به جای پیدا کردن رابطه سببیت به دنبال وجود یا فقدان عنصر تقصیر می گردند. در این راستا عنوان گردیده است که «بر خلاف حقوق خصوصی، ارائه تعریفی از تقصیر یا خطای دولت، به گونه ای که قادر به تبیین تمام ابعاد و شناساندن اصلی ترین عناصر و ویژگی های آن باشد، امکان پذیر نیست. می توان از تعریف ناپذیری و توصیف ناپذیری خطای (تقصیر) دولت سخن گفت. دلیل این امر، وابستگی شکلی و محتوایی فراوانی است که این مفهوم به تقصیر شخصی کارگزاران دولت دارد. بر اساس چنین پیوستگی است که حقوق مسؤولیت مدنی در غالب موارد، تمایل داشته و دارد تا تقصیر دولت را از طریق بازشناسی تقصیر شخصی مستخدم معرفی نماید» (امیرارجمند، زرگوش، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹). اما این نوع تحلیل به علت عدم مذاقه در قانون مسؤولیت مدنی به نظر صحیح نمی آید. در بحث مسؤولیت، سخن از انتساب فعل به خواننده است یا انتساب فعل زیانبار به شخصی که خواننده برای وی مسؤولیت دارد، نه اثبات و عدم اثبات تقصیر و یا قابل تعریف بودن یا نبودن آن. به بیان دیگر، همین که ثابت شود، فعل زیانبار، منتسب به خواننده می باشد برای ایجاد مسؤولیت کافی است.

باز در همین راستا مطرح گردیده، «از آنچه که از مطالعه نظام های مختلف، به دست آمد می توان گفت که تقصیر دولت، اشاره به حالتی دارد که زیان وارده ناشی از نبود امکانات، نقص وسایل، کمبود نیروی انسانی، فرستادن نیروی انسانی غیرماهر و آموزش ندیده جهت انجام خدمت

عمومی - بنا به برخی ضرورت ها - اعتصاب و شرایطی از این قبیل است» و اضافه کرده اند که «به این فهرست می توان حالتی را اضافه نمود که نتوان کارگزار یا کارگزاران مشخصی را عامل وقوع زیان دانست. در مواردی نیز که ابزار مورد استفاده مقام عمومی، بنا به عللی که مربوط به ذات آن وسایل است و ویژگی تبعی خویش را از دست دهد (همانند خارج شدن رباط از کنترل و یا سگ های آموزش دیده برای تعقیب مجرمین و یا کشف قاچاق از اقتدار متصرف)، باید از تقصیر دولت، سخن گفت. خطای اداری کارکنان نیز تا آن اندازه که مبین بی احتیاطی ها یا بی مبالاتی های فاحش کارگزار دولتی نباشد را باید به عنوان تقصیر دولت، تلقی کرد». (امیرارجمند، زرگوش، ۱۳۸۸، ص، ۱۳۹). اما اگر تقصیر ملاک باشد، اولاً چگونه می توان دولت را برای اقدامات دیگران مسؤول شناخت و ثانیاً: با چه استدلالی می توان اعتصاب و شرائطی شبیه آن را به تقصیر دولت نسبت داد، ثالثاً: با چه دیدگاهی امکان دارد، ضررهائی را که مربوط به ابزارهایی است که بنا به علل درونی و ذاتی خویش ویژگی تبعی خود را از دست داده اند، مقصر محسوب کرده و مسؤول شناخت؟ همین تصور قدیمی است که نویسندگان را بر این داشته است که از تقصیر به نحوی صحبت کنند که فقط اسم و رسمی از آن باقی بماند و کار و فعلی از آن بر نیاید. برای همین است که اینگونه نویسندگان در نتایج تحقیقات خود مطرح می کنند که «در تشخیص درجه خطای اداری لازم است که عمل مقام عمومی را با دیگر مقامات هم رسته و هم رشته مورد مقایسه قرارداد تا مشخص گردد که آیا اگر دیگر مقامات هم صنف با وصف اشتراک در رسته و رشته، به جای مقام مرتکب بودند، آیا باز هم زیان وارده، حاصل می شد؟ بنابراین در معیار نوعی، ضوابط حرفه ای حاکم بر موقعیت مقام عمومی، و نه رفتار انسان های دیگر، مورد توجه قرار می گیرد، لذا معیار نوعی، معیاری حرفه ای است. کنار این ضابطه معیار شخصی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، اتکا به معیار نوعی نمی تواند در همه حالات، دادگاه صالح را در شناخت دقیق ماهیت عمل عمومی منجر به زیان یاری نماید. عمل مقام عمومی، در مقام تحلیل، متشکل از دو عنصر است؛ یکی ضوابط حرفه ای و دیگری، ویژگی های شخصی. معیار نوعی تنها قادر به ارزیابی حرفه ای عمل صورت گرفته است، اما به تنهایی قادر به شناسایی تمام ابعاد و زوایای عمل انجام شده نیست. باید جنیست ویژگی های روحی، قابلیت های فکری، تمایلات شخصیتی مقام عمومی نیز مورد توجه قرار گیرد. نباید عمل ماموری که تنها یک ماه مشغول به کار است را با عمل فردی با سابقه یک سال مورد مقایسه قرار داد. نباید افراد گروه های هیجانی را با افرادی آرام مورد قیاس قرار داد. نباید ضوابط حرفه ای حاکم بر فرد شاغل در منطقه ای بسیار گرمسیر را با حوزه ای سردسیر یا معتدل و بی هیچ تفاوتی ترسیم کرد». در پاسخ به اینگونه تحلیل ها باید گفت، همه

این مطالب به این اصل بر می‌گردد که آیا می‌توان به نحوی از انحاء، عمل زیان‌آور را به دولت نسبت داد و یا می‌توان دولت را برای اعمالی مسؤول شناخت که خود یا کارمندان او آن را انجام نداده‌اند، یا از آن بالاتر دولت را مسؤول برای مواردی شناخت که نمی‌توان عامل ورود ضرر را مشخص کرد؟ هرگاه جهان بینی نویسنده و محقق راجع به مسؤولیت متفاوت باشد و پایه فکری وی بر اساس تقصیر بنا نشده باشد، طبعاً نتایج متفاوتی از مطالعات خود خواهد گرفت. این موضوع، به ویژه در مواردی نیز صادق است، که دولت در مورد اقدامات غیرممنوع یا حتی اعمال حق خود مسؤول شناخته می‌شود (زارع نعمتی، ۱۳۸۹، ص ۳۱، Barboza, 1994, p. 306).

در بیان کلی، مسؤولیت دولت برای تمام موارد مسؤولیت مدنی، به طور خلاصه، به دو رویکرد، توجه شده است: اول رویکرد سلبی یا منفی که مسؤولیت دولت بر اساس تقصیر شخص کارگزاران مشخص می‌شود و رویکرد ایجابی یا مثبت که شناخت مسؤولیت دولت ملازمه با تعریف تقصیر ندارد. در تعریف این مطلب عنوان شده است (امیرارجمند، زرگوش، ۱۳۸۸، ص ۸۵). شناخت تقصیر ملازمه با تعریف تقصیر ندارد و تقصیر دولت مفهومی مستقل و غیروابسته است که شامل تحقق دو وضعیت است: نخست هنگامی که زیان ناشی از نقض تعهداتی باشد که برای دولت و نه کارگزاران دولت مقرر گردیده و دیگر هنگامی که زیان ناشی از نقص وسایل و ابزار ایفای تعهدات عمومی باشد. ملاحظه می‌شود که این رویکرد دوم فقط بازی با کلمات است و ربطی به تقصیر و عدم تقصیر ندارد بلکه مسؤولیت با احراز رابطه سببیت و انتساب فعل زیان‌دیده به خواننده، به وجود می‌آید.

در پایان این قسمت می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که هرچند در سیستم‌هایی که مسؤولیت مدنی را با تقصیر یا عدم تقصیر دولت توجیه می‌کنند، تجزیه و تحلیل و بحث از تقصیر ممکن است در حقوق داخلی کارساز باشد، ولی در مورد دولت‌ها برای تعهداتی که وفق کنوانسیون‌ها یا پروتکل‌های آن‌ها (نظیر پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا) مسؤولیت دارند یا مسؤولیت‌هایی که برای اقدامات منع نشده و مجاز و قانونی، بر عهده آن‌ها گذاشته می‌شود کمتر بحث از تقصیر می‌شود و یا اصولاً تقصیر جایگاهی ندارد. حداقل این است که معیار مسؤولیت مدنی دولت در سطح بین‌المللی را نمی‌توان با تقصیر هم‌تراز دانست. این موضوع در مورد پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا هم صادق است. به موجب اصل ۲۳ بیانیه استکهلم (۱۹۷۲) همه «دولت‌ها باید در توسعه بیشتر قوانین بین‌المللی درباره مسؤولیت و یا جبران خسارت قربانیان آلودگی و دیگر صدمات محیط زیستی، منتج از فعالیت داخل محدوده قانونی و یا مناطق تحت کنترل خود،

در نواحی ماوراء قلمروشان همکاری کنند»^۱. این ماده نیز حکایت از این دارد که دولت ها برای وضع قانون مسؤولیت و جبران خسارات وارده تلاش می نمایند که مسؤولیتی را بر دوش دولت ها از باب جبران خسارات وارده، به صورت مستقیم قرار نمی دهد.

۲-۲- تفسیر کارآمد و عملی از ماده ۲۷ پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا:

با توجه به هدف کنوانسیون تنوع زیستی که همانا حفظ تنوع زیستی، استفاده پایدار از گونه ها و سهمیم شدن عادلانه حاصل از کاربرد منابع ژنتیکی و انتقال صحیح، ولی محدود، تکنولوژی مربوط می باشد، دولت ها باید به موجب ماده ۵ این کنوانسیون با هم همکاری کنند؛ به موجب ماده ۶، اقدامات کلی برای حفاظت و بهره گیری پایدار از منافع مذکور معمول دارند و به موجب مواد ۷ تا ۹ به تشخیص تنوع زیستی و نظارت بر آن و حفاظت درونی و بیرونی تعهد کرده اند. دولت ها، به ویژه به موجب بند «ذ» ذیل ماده ۸، تعهد نموده اند قوانین یا مقررات لازم برای حفاظت از گونه ها و جمعیت های در معرض خطر نابودی را تنظیم یا حفظ نمایند و به موجب بند «ر» ذیل همان ماده، پذیرفته اند که هر جا، وجود تاثیرات زیانبار مهمی بر تنوع زیستی، مطابق با ماده هفت آشکار شد، فرآیند یا انواع فعالیت های مربوط را قانونمند کرده یا مدیریت نمایند. دولتها، وفق مواد ۱۰ الی ۱۵ کنوانسیون تنوع زیستی تعهد نموده اند که سیاست های استفاده پایدار از اجزای تشکیل دهنده تنوع زیستی را رعایت کرده، اقدامات تشویقی، پژوهش و آموزش و آگاه سازی و آموزش عمومی را انجام دهند. همچنین دولت های عضو باید به موجب ماده ۱۴ ارزیابی تاثیرات محیط زیستی پروژه ها و روش های کاهش اثرات زیانبار آن ها را انجام دهند و خطرات کشنده برای تنوع زیستی را به اطلاع دولت های عضو برسانند و در جلوگیری از خطرات مهلک آن کوشا باشند و همکاری بین المللی برای تکمیل و ترغیب تلاش ها در جهت ایجاد طرح های مشترک احتیاطی داشته باشند. بنابراین، با توجه به تعهدات عمومی که دولت ها نسبت به یکدیگر نموده اند، مقاصد کنوانسیون و تعهد دولت ها (Responsibility) مشخص است.

آنچه در اینجا مهم است این است که به موجب بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون تنوع زیستی:

«کنفرانس اعضا، باید بر اساس مطالعاتی که صورت می گیرد، مساله پذیرش خسارت و جبران، از جمله احیاء و پرداخت غرامت برای خسارت وارده شده به تنوع زیستی را، به جز مواردی که پذیرش خسارت به طور کامل مساله داخلی است، بررسی کند»

1 -United Notion Conference on the Man and Invironment (Stockholm Declaration), Stockholm, 1972.

آنچه از این ماده به دست می آید، بحث از **مطالعه** و پذیرش صدمات وارده و **بررسی** جبران، خسارات است که اعضای کنوانسیون تعهد بر آن نموده‌اند. هیچ دولتی تعهد نکرده است که چنانچه خسارتی وارد گردید، به موجب مقررات این کنوانسیون جبران نماید.

از این فراتر، همه خسارت‌ها هم محل بحث نیست، بلکه آنگونه خساراتی که مساله داخلی نبوده و در سطح بین‌المللی قابل طرح و پیگیری و تعقیب باشد، مشمول این ماده قرار می‌گیرد. طبیعی است که اصولاً بحث از اینکه چه کسی باید این خسارات را جبران کند، وجود ندارد، بلکه این موضوعات به آینده واگذار شده است.

ماده ۲۷ پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا هم، بجز آنچه که در کنوانسیون تنوع زیستی مطرح شده، مطلب دیگری مطرح نکرده، بلکه مقرر کرده است، ظرف مدت ۴ سال راجع به مسؤولیت و جبران خسارات وارده تمهیداتی اندیشیده شود. اگر بخواهیم ماده ۲۷ کنوانسیون ایمنی زیستی کارتاهینا را به طور ساده ترجمه کنیم این ماده می‌گوید:

الف - کشورهای عضو پروتکل در اولین جلسه، باید فرآیند مناسب و استادانه ای را در ارتباط با قواعد و مقررات شکلی و ماهوی بین‌المللی برای ایجاد مسؤولیت و جبران خسارت وارده به زیاندیدگان انتخاب کنند.

ب - این قواعد و مقررات ماهوی و شکلی بین‌المللی، باید برای جبران خسارات ناشی از نقل و انتقالات مرزی سازواره‌های اصلاح شده زنده باشد.

ج - اعضای پروتکل باید با توجه به تجزیه و تحلیل و روند حقوق بین‌المللی در این موضوعات، برای مسؤولیت جبران خسارت طرحی بیندیشند.

د - باید تلاش شود که این فرآیند در ظرف مدت ۴ سال کامل گردد.

به عبارت دیگر، برای اینکه کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا، ضمانت اجرا داشته باشند، باید **کنفرانس** کشورهای عضو پروتکل (به جای اعضای پروتکل) در خصوص مسؤولیت و نحوه جبران خسارت چاره اندیشی کند و قواعد و مقررات ماهوی و شکلی تصویب نماید که همگون و همسو و هم جهت با روند مسؤولیت‌های مدنی بین‌المللی شخص مسؤول در سطح جهانی باشد. این اصول و مقررات، باید با روند مسؤولیت‌های مدنی بین‌المللی و طریقه‌های جبران خسارت مغایریتی نداشته باشد. به خاطر این تفاهم اجتماعی در سطح بین‌المللی است که اعضای پروتکل در کنفرانس مربوطه، طرح پروتکل الحاقی به پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا را تهیه کرده و اصول و مقررات آن را به رشته تحریر در آورده‌اند که میتواند درستی و نادرستی یا تناسب و عدم تناسب آن را با توجه به مطالب مطروحه در این مقاله، ارزیابی کرد.

۲-۳- مناقشات کشورهای عضو پروتکل در مورد مسئولیت و راههای جبران خسارات

اختلاف در مورد مسئولیت و راههای جبران خسارت همیشگی بوده و خواهد بود. گفتگو در این باب، گسترده است؛ از جمله در سال ۲۰۰۸ در بن آلمان، چهارمین کنفرانس عضوهای کنوانسیون ایمنی زیستی کارتاهینا تشکیل شد تا در خصوص مسئولیت و جبران خسارت به شور و مشورت بپردازد. هر چند کنفرانس نتوانست به مقاصد اصلی خود، در مورد ایجاد رژیم برای مسئولیت و جبران خسارت، برسد، لیکن بحث های جالبی در آن صورت گرفت عمده ترین مسائلی که در آنجا مطرح شد سه مطلب ذیل بودند:

۱- پذیرش توافق نامه برای مسئولیت و خسارات؛

۲- مذاکره برای برنامه جبران غرامت داوطلبانه؛

۳- شور و مشورت اساسی در خصوص انتخاب متن قابل اعمال؛

بیشتر بحث ها در خصوص پذیرش توافقنامه (پروتکل الحاقی) صورت پذیرفت. در اینکه توافقنامه به چه شکلی باشد، پیشنهادات زیر ارائه گردید.

پیشنهاد اول:

الف- دستورالعملی که از نظر حقوقی الزام آور نباشد، تنظیم گردد.

ب- مقرراتی که از نظر حقوقی برای اعضا الزام آور باشد تهیه شود.

ج- بدو بر روی یک یا دو رژیم غیرالزام آور توافق گردد و پس از ارزیابی آثار آن ها، یک یا دو پروتکل الزام آور پذیرفته شود.

برخی از دولت ها شدیداً مخالف انعقاد یک پروتکل الزام آور بودند؛ زیرا اولاً فرصت کافی برای آن وجود نداشت، ثانیاً موضوع هم بسیار پیچیده و فنی بود. بسیاری از دولت ها، حامی یک رژیم الزام آور قانونی برای مسئولیت و جبران خسارت بودند، در حالی که برخی دیگر عنوان کردند که دولت ها از نظر اداری خودشان ملزم باشند که یک رژیم مسئولیت آور حقوقی ایجاد کنند.

مالزی و کشورهای همفکر آن (حدود ۸۰ کشور)، معتقد بودند که یک رژیم الزام آور حقوقی بر پایه شیوه آیین دادرسی بر پا گردد که در آن ماده ای راجع به مسئولیت مدنی درج شود. یعنی اینکه، یک شخص خصوصی (افراد- سازمان ها- کمپانی ها) بتواند برای خساراتی که توسط دیگران به آن وارد شده در دادگاه داخلی طرح دعوی کند. ژاپن، برزیل و پرو شدیداً مخالفت خود را اعلام داشتند که چنین قواعد و مقررات الزام آوری به حق حاکمیت دولت ها بر تصویب قوانین ملی و سیاست های قضایی صدمه جدی می زند. مخالفت این چند کشور، به ویژه در مورد الزام آور بودن

اجرای احکام خارجی، شدیدتر بود. مالزی و کشورهای همراه، در بحث های فشرده و مذاکرات عنوان می کردند که عدم موفقیت در تصویب پروتکل الحاقی برای مسؤولیت و جبران خسارت، شکست جامعه بین المللی محسوب می شود، اما هند آرام و ساکت ناظر این مباحث بود.

پیشنهاد دوم:

در کنفرانس بن، این پیشنهاد توسط شرکت های بزرگ^۱ ارائه شد تا پروتکلی مبنی بر اینکه اعضاء، به صورت داوطلبانه مقررات تصویبی را برای خودشان الزام آور کنند، مورد توافق قرار گیرد. علت عدم پذیرش این پیشنهاد، این بود که یک پروتکل الزام آور حقوقی بین المللی نمی تواند به دلخواه اجراکنندگان آن گذاشته شود. اگر اینطور باشد، همه شرکت ها و عاملان زیان، از مسؤولیت و پرداخت خسارت فرار می کنند و بحث از مسؤولیت و جبران خسارت به امر زائیدی مبدل خواهد شد. جالب تر اینکه، این پیشنهاد بر این مبنا بود که دولت ها از طرف زیان دیده طرح دعوی کنند که به مقدار زیادی حق جبران خسارت زیان دیدگان را محدود میکرد. البته برخی از شرکت ها قائل بودند که مانند روش مطرح شده در کنوانسیون باسل، اشخاص هم بتوانند برای جبران خسارت طرح دعوی کنند. اغلب این پیشنهاد دهندگان شرکت هایی بودند که بیشترین ضرر را به محیط زیست وارد کرده و محکومیت های فراوانی داشتند. کمپانی ژن پیشنهاد داد که برای این سیستم بیمه اجباری طراحی شود و مثل کنوانسیون ۱۹۶۹ مسؤولیت مدنی برای آلودگی های نفتی یا پروتکل باسل راجع به «مسؤولیت و خسارت راجع به حمل و نقل فرامرزی و دفن پس مانده های خطرناک»، عمل گردد.

پیشنهاد سوم:

تهیه متن ماهوی قابل عمل بود که از سه قسمت تشکیل شده باشد؛ یعنی هم بر روی مقررات الزام آور حقوقی کار شود و هم راجع به مقررات غیر الزام آور حقوقی (دستورالعمل) طرحی تهیه گردد و در نهایت هم مقررات دیگر به آن ها اضافه گردد. این مقررات شامل مواردی نظیر برنامه غرامت تکمیلی^۲، حل و فصل دعاوی، مقررات مربوط به صلاحیت طرح دعوی و دادگاه ویژه رسیدگی و غیره می شود.

بالاخره با توجه به تصمیم شماره BS-IV/12، اشخاصی که خود را گروه همکاری با معاون نامیده اند، طرح^۳ پروتکل الحاقی به پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا را در مورخ ۶ آوریل ۲۰۱۰ ارائه

1-Mansanto, Dow, Bayer, syngenta, Dupnt, Gene and BASF.

2 - Supplementary Compensation scheme.

3 -Group of Friends of the Co- Chairs

شد. در ماده اول (در پرانتز) هدف این پروتکل الحاقی پیشنهادی را مساعدت برای تضمین پرداخت خسارت فوری، کافی و مؤثر می داند.

ماده ۲ طرح مذکور، ضمن پذیرش اصطلاحات به کار برده شده در ماده ۲ کنوانسیون تنوع زیستی و ماده ۳ پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا، اصطلاحات دیگری (از جمله تعریف متصدی) را بر آن افزوده و تبیین کرده است، طرح پروتکل الحاقی مذکور به موجب ماده ۳، صرفاً خسارات به منابع طبیعی و استفاده پایدار از تنوع زیستی را در بر می گیرد. به موجب بند ۴ ذیل ماده ۳ طرح پروتکل الحاقی فوق، شامل خسارات ناشی از نقل و انتقالات فرامرزی غیر عمدی سازواره های دست ورزی شده ژنتیکی موضوع ماده ۲۵ نیز می شود. بر اساس ماده چهار (پذیرفته شده) محدوده جغرافیایی پروتکل الحاقی پیشنهادی به قلمرو جغرافیایی هر کشور عضو، محدود شده است. در ماده ۵ طرح پروتکل الحاقی پیشنهادی، در خصوص زمان لازم الاجرا شدن آن بحث شده و در ماده ۶ آن ذکری از رابطه سببیت به میان آمده است. اما در ماده ۷ مقرراتی برای مقابله و جبران خسارت آمده است که باید در نهایت بر اساس قانون داخلی حل و فصل گردد. در اینجا هم مانند خسارات مربوط به حوادث اتمی، اپراتور مسئول شناخته شده تا در موقع خطر (یا احتمال قریب الوقوع آن)، دولت های عضو از او بخواهند:

۱- فوراً مراتب را به مقامات صالحه گزارش نماید؛

۲- خسارات (یا خسارات قریب الوقوع) را ارزیابی کند؛

۳- اقدامات شایسته مناسب را برای مقابله با آن ها معمول دارد.

و از مقامات صالحه هم خواسته شده است تا:

۱- اپراتوری را که باعث ورود ضرر واقعی یا قریب الوقوع شده است، شناسایی و معرفی نماید.

۲- از خسارات وارده یا قریب الوقوع ارزیابی داشته باشد و اقداماتی را که اپراتور باید در مقابله با آن انجام دهد، تبیین کند و چنانچه اپراتور مذکور اقدامی نکرد، خود دولت به مقابله با آن بپردازد. مقامات صالحه حق دارند، هزینه ها و خسارات و هزینه های جانبی برای ارزیابی خسارات و اقدامات لازم برای جلوگیری از ورود ضرر و یا مقابله با آن را از اپراتور وصول کنند. دولت ها می توانند، اپراتور را در برخی موارد از پرداخت هزینه ها و خسارات معاف دارند. حقوق داخلی باید خسارات را معین کند و حق اعتراض به مقامات اداری و تجدیدنظر قضایی هم باید به محکومان داده شود.

در ماده ۸ طرح فوق، در خصوص فورس ماژور، بلاهای ناگهانی و شورش های داخلی و استثنائات و مقابله با خسارت سخن به میان آمده و سرانجام در ماده ۹ آن طرح، حق مراجعه به زیان زنده به اپراتوری که خسارت را جبران کرده، داده شده است. در ماده ۱۰ طرح پیشنهادی، قبول مرور زمان نسبی یا مطلق هم به قانون داخلی واگذار شده است. در ماده ۱۱ (پذیرفته شده) مقرر شده است که در قانون داخلی محدودیت مالی اعمال شده برای هزینه ها و خسارات معلوم و معین گردد. به موجب ماده ۱۲، اپراتور باید تضمین مالی بدهد، از جمله بیمه نامه خصوصی ارائه کند و اگر در مواقعی مثل ورشکستگی اپراتور، جبران خسارات و هزینه ها ممکن نشد، دولت تمهیداتی برای آن بیندیشد.

ضمناً دولت باید به موجب ماده ۱۳، آیین دادرسی لازم را هم تدارک بینند. دولت های عضو در ظرف مدت ۵ سال، اثرات پروتکل الحاقی را مرور و بررسی مجدد می نمایند (ماده ۱۴ پذیرفته شده).

از آنجا که به موجب پروتکل الحاقی پیشنهادی به پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا، مسئولیت به عهده اپراتور گذارده شده، در ماده ۱۵ (پذیرفته شده) مقرر گردیده است که این موضوع نباید حقوق و تعهداتی را که دولت های عضو به موجب قواعد کلی حقوق بین الملل برای اقدامات خلاف عمدی بر عهده دارند، تحت الشعاع قرار دهد. قواعد کلی، شیوه پذیرش و خروج و عدم امکان پذیرش مشروط پروتکل و لازم الاجرا شدن آن هم در مواد بعدی آمده است. این پروتکل الحاقی پیشنهادی بر خلاف آنچه برخی از مشاوران ایرانی دولتی ابراز می دارند، به طور نسبی کارساز بوده و می تواند شروع خوبی برای سیستم مسئولیت و جبران خسارات مرتبط با سازواره های دست ورزی شده ژنتیکی باشد.

۲-۴- مسئولیت برای اقدامات ممنوعه و مجاز:

اینکه دولت های عضو به موجب کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ایمنی زیستی کارتاهینا، نسبت به یکدیگر برای خودداری از اعمال متخلفانه بین المللی و اعمال متخلفانه ای که منسوب به دولت است تعهد دارند، امری بدیهی و طبیعی است. به همین شیوه، هر گاه یک دولت به تعهدات خود عمل نکند، به موجب حقوق بین المللی عمومی، می توان آن دولت را با توجه به وجود مقتضیات و فقدان موانع برای اقدامات ممنوعه مذکور مسؤول شناخت. عدم انجام تعهد یا نقض آن موجب مسئولیت است که دولت مسؤول باید، برای مثال، وضع سابق را اعاده کند، یا غرامت بپردازد و یا از طرف مقابل رضایت بگیرد.

عنوان شده است، معمولاً دولت‌ها در حقوق بین الملل عمومی، مسئولیت (Responsibility) را به مواردی محدود کرده اند که عمل متخلفانه بین المللی، اعم از نقض تعهدات مذکور در کنوانسیون ها یا عرف، صورت گرفته باشد. آن ها مسئولیت ناشی از اعمال منع نشده (liability) را نپذیرفته یا به سختی می پذیرند و آن را به مسبب‌های ورود ضرر و زیان فرو می‌کاهند. اما انتقال این مسئولیت به متصدیان (یا مسبب‌ها) مانع از سایر تعهدات دولت‌ها، از جمله انجام تمهیدات لازم و فراهم آوردن قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها، امکانات، شناسایی، پیشگیری و حمایت‌های مادی و معنوی برای جبران خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های خطرناک، مثل اقدام بر روی سازواره‌های دست ورزی شده ژنتیکی، توسط مسبب‌ین نمی‌گردد. به همین علت یکی از مقاصد پروتکل الحاقی به پروتکل کارتاهینا تعیین این نوع مسئولیت دولت‌ها می‌باشد که نقض آن به طور طبیعی مسئولیت ناشی از اعمال متخلفانه بین المللی را در پی دارد. گاهی دولت‌ها تعهد‌های فراتری را می‌پذیرند تا چنانچه مسبب‌های ورود ضرر یا شرکت‌های بیمه نتوانند خسارات را جبران کنند، مساعدت‌های مستقیم یا غیرمستقیم لازم مالی را معمول دارند. این گونه تعهدات هم برای دولت ایجاد مسئولیت می‌کند. احتمالاً غرض کسانی که معتقدند در پروتکل الحاقی نیز باید به طور مشخص مسئولیت دولت‌هایی پرداخته شود، همین گونه مسئولیت‌های ناشی از نقض تعهدات بین المللی (Responsibilities) باشد، نه مسئولیت‌های (Liabilities) که دولت‌ها آن‌ها را به عاملان ورود زیان، یا یک شخص خاص مثلاً متصدی، فرو می‌کاهند. هدف عمده از ایجاد این تعهدات برای دولت، اندیشیدن تمهیداتی است تا مسؤول جبران خسارات و طریقه جبران آن مشخص شود. پس، اگر شرکت‌ها، گروه‌ها، موسسات، دانشگاه‌ها، محققین و سایرین با اقدامات خود باعث ورود ضرر گردند و لازم باشد این خسارات تعریف گردیده و غرامات جبران شوند، شخصاً مسؤول هستند. برای تعیین مسؤول و روش جبران خسارت رویه‌های مختلفی در سطح حقوق داخلی وجود دارد. برخی کشورها (نظیر فرانسه و ایران) در صورت وجود ضرر و فعل زیانبار و احراز رابطه سببیت، عامل مستقیم زیان قابل پیش بینی را مسؤول می‌شناسند. گروهی دیگر از کشورها (مثل کشورهای کامن لو) در صورت وجود تعهد و نقض آن و احراز رابطه سببیت، عامل مذکور را در خصوص زیان‌های قابل پیش بینی، مسؤول قلمداد می‌کنند. البته در هر دو سیستم داخلی، سیاست‌های قضایی نیز نقش خویش را ایفاء می‌کنند. برخورد‌های سیستم‌های مختلف حقوق داخلی با سیستم حقوق مسئولیت مدنی بین المللی، متفاوت است. در اینگونه موارد، کنوانسیون‌های مرتبط با بونکرهای نفتی و مواد هسته‌ای و حمل و نقل مواد خطرناک تصویب شده و در سطح بین المللی قابلیت اجرا پیدا کرده‌اند. طریقه معلوم و معین کردن مسئولیت و جبران خسارات در موارد نقض اصول و مقررات ایمنی زیستی نیز نه تنها میتواند، بلکه باید، در راستای کنوانسیون‌های بین المللی

دیگر طراحی، تنظیم، مذاکره، تصویب و اجرا شود. حقوقدانان ایرانی، در صورتی می توانند در خصوص پروتکل الحاقی (در شرف شور) به پروتکل کارتاهاینا راجع به مسؤولیت و جبران خسارات وارده، سخن مقبولی برای گفتن داشته باشند که نخواهند از استاندارد جهانی مسؤولیت مدنی بین‌المللی خارج شوند و هماهنگ با آن مسائل حقوقی خود را مطرح کنند و الا سایر کشورها با سیستم‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فنی، اجتماعی و مذهبی متفاوت جایگاهی برای بحث از مطالب ناهمگون با تفکرات جهانی اقتصاد آزاد، در حیطه مسؤولیت برای جبران خسارات وارده به اشخاص، قائل نخواهند شد.

نتیجه:

برای پیشرفت در حقوق ایمنی زیستی، لازم است مسؤولیت‌ها تعریف شوند و نوع و طرق جبران خسارات و مبنای آن‌ها (مسؤولیت بر اساس تقصیر، مسؤولیت محض و مسؤولیت بر اساس امکان مقابله با خسارات) و حیطه و شیوه اجرای آن‌ها مشخص گردند. برای رسیدن به این اهداف باید ضمن شناخت مسؤولیت و راههای جبران خسارت مسایل زیر نیز، جهت تسهیل امور، تبیین شده و مورد ملاحظه و بررسی قرار گیرد.

الف- حدود قلمرو جغرافیایی مسؤولیت آفرین به کجا کشیده می شود و در چه سرزمینی و تا چه شعاعی برای عامل زیان ایجاد مسؤولیت می کند. آیا مسؤولیت محدود به آثار موجودات تغییر شکل یافته زنده (سازواره های دست ورزی شده ژنتیکی) در داخل کشور است یا به خارج نیز سرایت می کند و آیا سواحل، آبهای سرزمینی و آب های بین المللی را هم شامل می شود یا خیر.

ب- در پروتکل الحاقی پیشنهادی باید مشخص شود که «خسارت» چیست. آیا دایره خسارت به محافظت از محیط زیست و استفاده پایدار از تنوع زیستی محدود می شود یا اینکه خسارت به انسان‌ها، خسارت به دولت و عدم النفع و کسر درآمد را هم شامل می گردد. موجودات زنده تغییر شکل یافته، وسعت فراوانی دارند، عدم تجربه و اطلاع مردم از چنین مواردی، مشکل آفرین است؛ پس برای تعریف خسارت باید وسیع ترین تعریف را در نظر گرفت که همه موارد را در بر گیرد. البته، اصل مسؤولیت و جبران خسارت، به جبران خسارت محیط زیست بر می گردد؛ ولی با توجه به ماده ۲۶ پروتکل نباید خسارات اجتماعی - اقتصادی به ویژه در مورد گیاهان تراریخت، نادیده گرفته شود. صدمه به انسان‌ها، حیوانات و غذا هم باید تعریف شده و مشخص باشد. خسارات نباید محدود به آنهایی شود که فوراً ظهور

و بروز پیدا می کنند، بلکه باید خساراتی را هم که سال های بعد ایجاد می گردد، شامل شود. به همین گونه، اثرات مخربی که ژن ها به طور خواسته یا ناخواسته به دیگر سازواره ها دارند، نباید در تعریف خسارت دور از نظر داشت.

پ- چه شخص یا اشخاصی مسؤول می باشند؟ هر چند عامل ورود زیان در بادی امر مسؤول جبران خسارت می باشد، اما نباید دولتی که در بروز خسارات به طور مستقیم یا غیر مستقیم مسبب ورود ضرر و زیان بوده است از مسؤولیت مبری گردد. آیا هر شخصی که در زمان وقوع حادثه ناشی از حمل و نقل سازواره های دست ورزی شده ژنتیکی، کنترل مستقیم یا غیر مستقیم جریان را بر عهده داشته، مسؤول است یا دامنه مسؤولیت به اشخاصی که قبلاً دست اندرکار اقدامات ژنتیکی بوده اند یا شخصی که موجودات زنده تغییر شکل یافته را به بازار عرضه کرده، یا شخصی که آن را توسعه داده، تولید کرده، صادر یا وارد کرده، حمل و نقل نموده یا تدارک آن را برای بازار دیده است، نیز کشیده می شود؟ آیا مسؤولیت، شامل اطلاع رسانی متقابل شخص و دولت از یک طرف و دولت عضو با دولت های دیگر، از طرف دیگر می گردد؟ اگر بعد از کانالیزه کردن مسؤولیت، شخص مسؤول قادر به مقابله با خسارات نباشد و یا ورشکست شود، دولت عضو چه وظیفه ای دارد؟ آیا باید خود مبادرت به مقابله با خسارات کند، و اگر این دولت با توجه به وسعت تأثیر سازواره های دست ورزی شده ژنتیکی، قادر به ایفای مسؤولیت های بین المللی خود نباشد چه باید کرد؟

ت- حدود مسؤولیت اشخاصی که به موجب پروتکل الحاقی پیشنهادی باید از عهده جبران خسارت برآیند چیست؟

ث- تا چه مبالغی مسؤولیت به عهده آن هاست؟ آیا این مبالغ را باید قانون داخلی تعیین کند یا دولت های عضو پروتکل آن را مشخص نمایند و آیا این مبالغ باید از کشوری تا کشور دیگر متفاوت باشد، یا همگی به طور مساوی مسؤولند؟

ج- تا چه زمان یا در چه دوره زمانی مسؤولیت وجود دارد؟ مرور زمان چه موقع آغاز و پایان می پذیرد؟

چ- اگر شخص مسؤول نتواند جبران خسارت کند، کدام بیمه یا صندوق مساعدات می تواند به کمک زیان دیدگان بشتابد؟

ح- اگر مبالغ حمایتی حاصل از بیمه یا صندوق مساعدات کافی نبود، دولت ها تا چه اندازه مایل به کمک هستند؟ سهم هر کدام از دولت ها چه مقدار است؟

خ- دادگاه صالح جهت رسیدگی به دعاوی کدام است و در مواردی که خلاء در قوانین ماهوی کنوانسیون و پروتکل آن وجود دارد، دادگاه باید به کدام قانون و مقررات متوسل شود؟

د- آیین دادرسی مدنی دادگاه صالح کدام می باشد؟

ذ- چگونه می توان احکام صادر شده را اجرا کرد؟

اگر در چنین موضوعات عمده ای اتفاق نظر، هر چند نسبی، صورت پذیرد، آنگاه می توان به جرأت ادعا کرد که برای تشکیل نظام مسؤولیت مدنی بین المللی برای ایمنی زیستی قدم های مؤثری برداشته شده است. هر چند تا رسیدن به چنین نظام بین المللی فاصله های بسیار طولانی وجود دارد، باید با همکاری محققان، قدم ها را استوارتر و امیدوارتر برداشت.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی

۱. آتروف، رینالد، ۱۳۸۶، **حقوق و تحقیقات زیست پزشکی**، ترجمه محمود عباسی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره سوم.
۲. افتخار جهرمی، گودرز، ۱۳۸۸، **حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار**، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، شماره ۵۰، صفحه ۲۴-۹.
۳. امیر ارجمند، اردشیر، مشتاق، زرگوش، ۱۳۸۸، **تقصیر در حقوق مسؤولیت مدنی دولت** (مطالعه تحلیلی تطبیقی)، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۹، ۱۳۹-۸۵.
۴. امیر ارجمند، اردشیر، ۱۳۷۴، **حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی**، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۵.
۵. اسماعیلی، مصطفی، ۱۳۸۸، **شبیه سازی و پیامدهای فقهی، کلامی و اخلاقی آن**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره هشتم. شماره ۴۹.
۶. بخش آموزش، ۱۳۸۵، **ارزیابی مخاطرات زیست محیطی موجودات اصلاح شده ژنتیکی** نشریه کار گروه تخصصی ایمن زیستی، وزارت علوم، تحقیقات فناوری، ایمنی، شماره ۱۴.
۷. بخش آموزش، ۱۳۸۴، **ارزیابی مخاطرات احتمال گیاهان تراریخت شده BT (قسمت چهارم)**، نشریه کمیته ملی ایمنی زیستی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شماره ۱۱.
۸. بزمی، شبنم، ۱۳۸۹، **بررسی جنبه های اخلاقی و حقوق پیوند اعضا، مقالات همایش علمی حقوق و اخلاق در زیست فناوری**.

۹. باقریه نجار، محمدباقر، ۱۳۸۴، گیاهان دست ورزی شده ژنتیکی، زیست فناوری و حقوق مالکیت آن ها، پژوهشگاه ملی مهندس ژنتیک و زیست فناوری، مجموعه مقالات کنگره بین المللی اخلاق زیستی.
۱۰. ساشادینا، عبد العزیز، ۱۳۸۹، اخلاق در زیست فناوری، مقالات همایش علمی حقوق و اخلاق در زیست فناوری.
۱۱. تکاور، سهیلا، ۱۳۸۴، گیاهان تراریخته: ایده آل یا تجاوز به حریم ها، مجموعه مقالات کنگره بین المللی اخلاق زیستی.
۱۲. حسینی، سید حسین، ۱۳۸۶، مسئولیت کیفری متصدیان امور پزشکی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره سوم.
۱۳. خوانساری، نعمت الله، ۱۳۷۹، فن آوری و ایمنی زیستی و دستورالعمل های ایمنی زیستی، نشر سازمان حفاظت محیط زیست.
۱۴. دباغ، سروش، ۱۳۸۹، همانند سازی انسانی و خود آئینی اخلاق، سخنرانی همایش ملی حقوق و اخلاق در زیست فناوری.
۱۵. ریموند وکس، ۱۳۸۹، فلسفه حقوق، مختصر و مفید، ترجمه باقر انصاری و مسلم آقایی طوق، انتشارات جاودانه جنگل.
۱۶. زارع نعمتی، رؤیا، ۱۳۸۸، مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از حوادث اتمی، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. سهرابی، مرجان، خوئینی، غفور ۱۳۸۶، بررسی تحلیلی دیدگاه شیعه نسبت به شبیه سازی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره سوم.
۱۸. عباسی، محمود، ۱۳۸۹، حق بر سلامت از منظر اخلاق زیستی و حقوق بشر، مقالات همایش علمی حقوق و اخلاق در زیست فناوری.
۱۹. عباسی، محمود ۱۳۸۶، همانند سازی: چالش نو فراروی اخلاق و حقوق بشر، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره سوم.
۲۰. عبداللهی، محسن، ۱۳۸۶، نظام حقوق حاکم بر محصولات ژنتیکی نو ترکیب: ضرورت قانون ملی ایمنی زیستی، سالنامه ایران حقوق بین المللی و تطبیقی، شماره سوم.
۲۱. کاظمی، عبدالحسن، عباسی محمود، ۱۳۸۶، مواد غذایی تراریخته و حقوق مصرف کننده فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره سوم.
۲۲. کاظمی افشار، هاجر، ۱۳۸۶، وضعیت حقوقی بیع اعضای انسان، فصلنامه حقوق پزشکی، سال اول، شماره سوم.

۲۳. کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸، **مسئولیت بین المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل**، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی، شهردانش.

۲۴. متولی زاده اردکانی، علی، ۱۳۸۹، **اخلاق در فناوری زیستی و مهندسی ژنتیک**، مقالات همایش علمی حقوق و اخلاق در زیست فناوری.

۲۵. موسوی، سیدکریم، زند، اسکندر، **پیامدهای اکولوژیکی گیاهان زراعی تراریخته مقاوم به علف کش**.

ب. خارجی.

1. Barboza, Julio, 1994, International Liability for Injurious Consequences of Acts Not Prohibited by International Law, and Protection of Environment, REC U EIL DES course.
2. The Basel Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal, 1992.
3. Conference of the parties to the Convention on Biological Diversity Serving as the Meeting of the Parties to the Cartagena Protocol on Biosafety, 2008 "Liability and Redress under the Cartagena Protocol on Biosafety", UNEP/CBD/BS/COP-MOP/4/L.18.
4. Draft Principles on the allocation of Loss in the case of transboundary harm arising out of hazardous activities, 2006, Yearbook of International Law Commission.
5. "Etudes et essays sur le droit international humanitaire et les principes de Croix Rouge", en L' honneur de jean PITCET.CICR, Martinus Nijhoff, Geneve. La Haye, 1984.
6. Green Peace Briefing, 2008 "Overview of the Current Text under Negotiation on Liability and Redress under the Cartagena Protocol on Biosafety".
7. International Institute for Sustainable Development, "Summary of the Fourth Meeting of the parties to the Cartagena protocol on Biosafety 12-16 May 2008", Earth Negotiations Bulletin, Vol.9 No. 144.
8. Karel Vasak "Pour une troisieme generation des droits de L' homme", In: "Etudes et essays sur le droit international humanitaire et sur les principales de la Croix Rouge".
9. Kameri- Mbote, patricia, 2004 "Towards a Liability and Redress system under the Cartagena Protocol on Biosafety" I East Africa law journal.
10. M. A. Mekouar, 1987 "Le droit a L' Environment dans ses rapports avec les autres droits de L' homme" UNESCO, Paris.
11. Mousawi, A- Malboobi, M.A – Esmailzadeh, Nasrin, 2007 "Development of Agricultural of biotechnology and biosafety regulation used to assess the safety of genetically modified Crops in Iran", The Journal of AOAC International, Vol. 90, No, 5.

12. Sahai, S., I. Barpujari, 2008, "Liability and Redress for GM Crops: A Developing Country Perspective", New Delhi: Gene Campaign.
13. Sadeleer, Nicolas, 2002 "Environmental Principles, from political slogans to legal rules", Oxford University Press, New York.
14. United Nation Conference on the Man and Environment (Stockholm Declaration), Stockholm, 1972.
15. Walters, Reece, 2007 "Food Crime, Regulation and the Biotech Harvest" European Journal of Criminology, Vol 4, No. 2.